



سیدمصطفی هاشمی طب

رهبر شهیدمان بارها در سخنان خود به لزوم دشمن شناسی تصریح کردند. اگر به طور سطحی به این امر بنگریم، کافی است آدم‌ها و حکومت‌ها و کشورها را از نظر اینکه دوست یا دشمن هستند، فهرست کنیم و به‌اصطلاح با یک میمیزی ساده دوست و دشمن را تشخیص دهیم. اما بسیار ساده‌دلانه و جاهلانه است که مفهوم دشمن‌شناسی را به این حد تنزل دهیم و در حقیقت این نگاه، پایین‌ترین سطح دشمن‌شناسی و کف آن است. می‌توانیم یک مثال غیبی از طبیعت را بباوریم. می‌دانیم پدیده زلزله یک دشمن طبیعی جوامع است و چه‌بسا شهرها یا کشورهایی در اثر زلزله از میان رفته‌اند. حال اگر این دشمن طبیعی را بخواهیم ساده‌دلانه بشناسیم، شناسایی نقاطی که در معرض زلزله هست را می‌توان نوعی زلزله‌شناسی (دشمن‌شناسی) دانست، اما آیا این کافی است؟ در امر شناخت زلزله باید گسل‌های زلزله، سوابق تاریخی زلزله، کیفیت وجودی مستحذات منطقه زلزله‌خیز، امکانات مقابله با زلزله و برخی دیگر از مختصات مربوط به زلزله شناخته شود تا بتوان با تدبیر و پیش‌بینی‌های لازم مانند عدم ایجاد مستحذات در حریم گسل‌ها، کیفیت مستحذات از نظر مقابله با زلزله، ایجاد مراکز اسکان موقت مردم، ایجاد امکانات کمک‌های اولیه پزشکی، کمک‌رسانی تغذیه و دارو و سایر نیازها را فراهم کرد و به این صورت شناخت زلزله را معنی بخشید. حال با آنکه شناخت دقیقی از پدیده زلزله و زمین‌شناسی در کشورمان وجود دارد و زلزله‌شناسان صاحب‌نامی همواره هشدار داده‌اند، ببینیم با وجود شناخت این پدیده که برخلاف دشمنان ظاهرا انسان، سیال نیست و تقریباً می‌توان آن را دشمن ثابت و بی‌انگیزه و بدون انعطاف و بدون ایدئولوژی نام نهاد، ما چگونه با آن برخورد کرده‌ایم. اول آنکه با وجود شناختن گسل‌ها به‌راحتی به روی آنها و روی حریم آنها پروانه ساخت برج‌های تا ۳۰ طبقه را صادر کرده‌ایم. دوم آنکه این‌ مجوزها را در خیابان‌ها و کوچه‌های با عرض حداقل شش متر داده‌ام تا هنگام زلزله با اندک آوار عبور و مرور از آن خیابان منقطع شود و امکان آواربرداری و نه اطفای حریق را به صفر رسانده‌ایم، به‌خصوص آنکه در برخی کوچه‌ها اصلاً پاده‌رو وجود ندارد و لوله‌کشی‌های گاز در زیرزمین کاملاً آماده فعالیت و آتش‌سوزی و احیاناً انفجار است. سوم آنکه نه در محاسبات و اجرا کارهای مربوط به مقاوم‌سازی در برابر زلزله حداقل تا هفت ریشتری را انجام داده‌ایم و نه به مرکز نقل ساختمان‌های بلند توجه کرده‌ایم، به‌طوری‌که مانند زلزله اقلیبر-مراکش ممکن است ساختمان‌ها بدون تخریب واژگون شوند. این سرگذشتی تبت‌آموز از نوع تصمیم‌گیری‌های ما در برابر یک دشمن آن‌هم نه یک دشمن محیل و بی‌رحم و نژادپرست بلکه دشمنی که عقلاً قابل مهار است، همچنان‌که امروز زاین این دشمن را حتی در حد شدت هشت ریشتری مهار کرده است. امروز با دشمنی بی‌رحم، دارای ایدئولوژی تسلسلی و نژادپرستی یعنی صهیونیسم روبه‌رو هستیم؛ دشمنی که امروز حتی هیئت حاکمه آمریکا را تحت کنترل و انقیاد خود درآورده و اروپا از ترس سلاح‌های اسرائیل که به سوی آن نشانه رفته یا ساکت است یا همراه. با وجود آن همه تأکید رهبر شهیدمان بر دشمن‌شناسی به نظر می‌رسد نه‌تنها عامه که مسئولان کشورمان به عمق مکار، جانی و نژادپرست بودن آن پی نبرده‌اند و به همین دلیل با ساده‌لوحی فقط به شعار اکتفا کرده‌اند. سخنرانی یکی از فرماندهان نظامی در سال‌های گذشته حاکی از آن بود که اسرائیل نه می‌تواند و نه می‌خواهد به ایران دست‌اندازی کند. آیا این به جز عدم شناخت از عمق سیعیت این رژیم کودک‌کش اشغالگر توسعه‌طلب است؟ همراه ما شناخت عمیق، تدبیرهای لازم فراهم می‌آید. اگر شناخت عمیق باشد، تدبیرها می‌تواند حسب زمان و مکان اندیشیده شود. اینک می‌خواهیم بدانیم شناخت از دشمن صهیونیستی تا چه حد عمیق بوده و چه تدابیری برای مقابله با آن اندیشیده شده است.

۱- شناخت اعتقادی و ایدئولوژی: شاید کمتر کسی بداند که صهیونیسم‌از اندیشه‌های تورات فعلی پیروی نمی‌کند بلکه از مجموعه ۳۶ جلدی کتاب‌های تلمود که توسط خاخام‌های تندرو در طول زمان نوشته شده پیروی می‌کند که در آن قوم یهود به عنوان قوم برتر جهان شناخته شده و دستورات قاطع دینی درباره معدوم‌کردن دیگر انسان‌ها اعم از کودک و زن و مرد در آن نوشته شده است. یعنی شناخت ایدئولوژی آنان ناقص، شعاری و ناگسترده است.

۲- شناخت تاریخی: در طول تاریخ، دشمن‌شناسی یک علم بوده است. در طول تاریخ، دشمن‌شناسی یک علم بوده است. در طول تاریخ، دشمن‌شناسی یک علم بوده است.

پنجشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۵	
۸ صفر ۱۴۴۸	
۲۳ جولای ۲۰۲۶	
سال بیست‌ودوم	
شماره ۵۴۳۴	
۴۰ هزار تومان	
۸ صفحه	

چراغ سبز غنی‌سازی به ریاض

گزارش تیتربیک رادر صفحه ۴ بخوانید



گفت و گوی محمد رضا سرکار آرانی با عبدالحسین وهاب زاده
مدرسه طبیعت
نقد طبیعت مدرسه

این گفت‌وگو رادر صفحه ۴ بخوانید

غذای سالم؛ حلقه مفقوده امنیت غذایی جهان



محمدحسین عمادی

عضو شورای عالی مشورتی کمیته امنیت غذایی HLUPE-FSN سازمان ملل
هدف «گرسنگی صفر» در دستورکار توسعه پایدار سازمان ملل دارد. نکته قابل تأمل دیگر، جای‌جایی کانون گرسنگی در جهان است. برای نخستین بار، آفریقا از آسیا پیشی گرفته و اکنون بیشترین تعداد افراد گرسنه جهان را در خود جای داده است. نزدیک به ۳۱۰ میلیون نفر در این قاره با سو‌تغذیه مزمن مواجه‌اند و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ نیز بیش از نیمی از جمعیت گرسنه جهان از آفریقا زندگی کنند. این تغییر، زنگ هشدار جدی برای جامعه جهانی است و نشان می‌دهد شکاف توسعه میان مناطق مختلف جهان همچنان عمیق است. اما شاید مهم‌ترین پیام گزارش، فراتر از آمار گرسنگی باشد. گزارش تأکید می‌کند که کاهش گرسنگی الزاماً به معنای بهبود تغذیه نیست. میلیون‌ها نفر ممکن است غذای کافی برای رفع گرسنگی داشته باشند، اما رژیم غذایی آنان فاقد تنوع و ارزش تغذیه‌ای لازم باشد. از همین رو، گزارش نشان می‌دهد تنها حدود یک‌سوم کودکان شش تا ۲۳ ماهه در جهان

کافه‌ها؛ ستون‌های سرزنده شهر



ترانه‌یلدا

معمار وشهرساز

دوباره خبردار شدیم کافه‌های دو، سه تا از خیابان‌های مرکز شهر تهران را پلمپ کرده‌اند. ظاهراً این کار به بهانه شلوغی و سد معبر انجام شده است. اما خواندم که در ماه‌های زمستان گذشته نیز مأموران معاونت نظارت بر اماکن عمومی پلیس پایتخت با دریافت خبری مبنی بر انجام برخی تحرکات هنجارشکن توسط تعدادی خانم و آقا در رستورانی در حوالی محله نازی‌آباد خیابان رجایی (در جنوب تهران) سریع برای بررسی و بازدید صنفی به این رستوران مراجعه کرده‌اند. مازیار وکیلی منتقد می‌گوید: «جامعه ایران در سال‌های اخیر (به اندازه کافی) از برخورد‌های فرهنگی و اجتماعی ضربات بسیار سختی خورده است». پرویز پرستویی نیز درمورد نوع دیگری از فشارها بر افراد محبوب مردم نوشته است: «عادل فردوسی‌پور دشمن نیست. چرا بلد نیستید حال مردم را خوب کنید؟». راست می‌گویید؛ مگر شهروندان عادی حق زندگی ندارند؟ مفهوم «حق بر شهر» ۶۰ سال است که نقل و نبات ما شهرسازها و جامعه‌شناسان شهری است. از سوی دیگر، در این وضعیت نابهنجار جنگ با ترامپ متجاوز و جنگ‌طلب، اعصاب همه مردم از دست شبح جنگی که مدام بالای سرم‌ان می‌چرخد، خراب است. هرچقدر تنش‌های روانی و عصبی گروه‌های مختلف جامعه با هر روشی کاسته شود، بی‌شک از سطح خشونت در خیابان‌ها کاسته می‌شود و تأثیرش هرچند کوچک، مثبت خواهد بود. متأسفانه این صفت‌بندی‌های اجتماعی آن‌قدر خطرناک شده که حتی پایش به ورزش و تیم ملی هم کشیده. این کارها خطرناک هستند، برای آینده و ثبات و وحدت اجتماعی ما خطرناکاند. من البته امیدوارم کارمان با این داستان‌های کوچک به هیچ جای باریکی نکشد... باید بگویم اگرچه بعضی‌ها خشن‌تر شده‌اند، اما مردم ما کلاً مهربان‌اند و همیشه هوای همدیگر را داشته‌اند و در خیابان به هم کمک می‌کنند، برای هم کارت اتوبوس می‌کشند و مجانی همدیگر را سوار موتور می‌کنند. از طرفی، با این گرانی بی‌حد و حصر و تنگناهای اشتغال هم معلوم نیست آستانه تاب‌آوری چقدر تنزل کند؟ بنابراین باید همدلی‌مان را ارتقا دهیم.

گزارش «شرق» از اولین سفرعلی الزیدی به تهران
الزیدی در معادله دشوار
تهران-واشینگتن



روایت خانواده و همکاران تنها جان‌باخته حمله موشکی به فرودگاه ایرانشهر

آخرین شیفت
«خالد قادری»

چشم‌انتظاری سرمایه‌گذاران نیروگاه‌های خورشیدی از صف تخصیص ارز تا توقف تجهیزات در مرگم؛

پاسخ رئیس ساتبا به
مطالبات بخش خصوصی

روایتی از هفته‌ای که خبر، خود به بخشی از بحران تبدیل شد

زندگی در شیفت بحران

زلزسکی تسلیم افکار عمومی شد

تغییر فرمانده ارتش اوکراین

دورپیداد فرهنگی و
التیام روح وروان

یادداشتی از مهرداد دانش

نفت، حذف ارز ترجیحی
و اعتراضات

علیرضادلیز

کارشناس اقتصاد سیاسی

در ماه‌های گذشته رئیس‌جمهور پزشکیان در توجیه و استدلال برای حذف ارز ترجیحی در دی‌ماه ۱۴۰۴ آن را تصمیمی ناگزیر برای پیشگیری از قحطی و یک سیاست (انفعالی اما به‌موقع) از جنس مدیریت بحران برای تأمین ارز و واردات کالاهای اساسی و خوراک دام دانست. این استدلال برخلاف توضیح و استدلالی است که سایر مقامات سیاست‌گذاری اقتصادی به عنوان سیاستی فعال برای کاهش شکاف چندرنخی و حذف رانت ارز مطرح کرده‌اند؛ گمانی‌که شکاف پاداشده در همه شش ماه پس از آن با نوساناتی ادامه داشته (تا لحظه نگارش این یادداشت هم حدود ۲۸ درصد بوده) و از نظر بسیاری از کارشناسان تا زمانی که ناطقمینانی در تأمین منابع ارزی مورد نیاز کشور و موانع تحریمی انتقال از وجود دارد و نیز مادامی‌که بازار غیررسمی ارز با اندازه بزرگ بر بازار رسمی سایه انداخته، این شکاف پرشدنی نیست. اما یک پرسش بسیار مهم از رئیس‌جمهور محترم این است که علت و عامل کاهش ناگهانی منابع ارزی کشور در نیمه دوم سال ۴۰۴ چه بوده که کشور را با مخاطره بزرگ قحطی روبه‌رو کرده است؟

انا لله و انا الیه راجعون

درگذشت مدیرپرتلاش و خدمتگزار

عبدالکریم گراوند (استاندار پیشین بوشهر)

پس از عمری مجاهدت و تکاپوی نایبستا برای

بهروزی و شکوه ایران عزیز و پیگیری مجدانه رفع

محرومیت در استان‌های غربی و جنوبی را

به خانواده محترم، دوستان و همکاران ایشان

تسلیت می‌گوییم.

سیدمحمود حسینی، علی اوسط هاشمی

حجت میرزایی، مهدی رحمانیان